

بوده است. طی چند سال گذشته که در واقع سال‌های حساس نیز برای سیاست خارجی و امنیتی مشترک بوده است، جریان‌های همسو و ناهمسوئی از رهبران اروپایی با فرآیند همکاری روی کار آمده‌اند. تیم شرودر، سارکوزی و بلر که هماهنگی نسبتاً خوبی را در زمینه سیاست‌های اروپایی داشتند، جای خود را به تیم مرکل، سارکوزی (اولاند) و کامرون دادند که بیشتر اتلانتیک‌گرا هستند تا اروپاگرا.

۳- چالش‌های خارجی

این چالش‌ها آن دسته از چالش‌هایی هستند که اتحادیه اروپا در محیط خارجی خود در زمینه سیاست خارجی و امنیتی مشترک با آنها مواجه است که عمدتاً نیز از روابط فراتلانتیک ناشی می‌شود. رویکرد آمریکا نقش ناتو به عنوان تأمین‌کننده بخش مهمی از امنیت اروپا می‌تواند برای توسعه سیاست خارجی و امنیتی مشترک چالش برانگیز باشد. همچنین نقش روسیه نیز در این میان بسیار حائز اهمیت است. در این بخش به بررسی این سه چالش مهم پرداخته شده است.

۳-۱. رویکرد آمریکا به سیاست

خارجی و امنیتی مشترک

ایالات متحده دارای منافع بسیاری در تعهد مداوم در شکل دادن به یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی است. بسیاری برآنند که اروپای متحد شریکی سخت برای آمریکا خواهد بود و نقش رهبری ایالات متحده را در جهان زیر سوال خواهد برد. به همین دلیل آمریکا اکراه دارد که اجازه دهد اروپاییان موضوعی مشترک بین خودشان تعیین کنند، زیرا چنین موضعی واشنگتن را در اینجا و آنجا در برابر عمل انجام شده قرار خواهد داد. چالز کوپاند نیز اتحادیه اروپا را قدرتی رقیب می‌داند که در افول قدرت آمریکا موثر خواهد بود. کوپچان تأکید می‌کند که قدرت روز افزون سیاسی و اقتصادی اروپا به طور اجتناب‌ناپذیری به سوی رقابتی پیش می‌رود که قدرت آمریکا را تنزل خواهد داد. به هر صورت موافقت آمریکا سیاست خارجی و امنیتی مشترک

جای هیچ شکی نیست که هر یک از دولت‌های اروپایی از دریچه منافع ملی خود به اتحادیه اروپایی و فرآیندهای ناشی از آن می‌نگرند. در حقیقت، از نگاه بسیاری از کشورهای اروپایی به خصوص کشورهای قدرتمندتر آن، اتحادیه اروپا ابزاری برای تحقق منافع ملی آنها است. بسیاری از کشورهای کوچک اروپایی در سیاست خارجی خود دنبال‌ه‌رو کشورهای قدرتمندتر اروپایی همانند آلمان، انگلیس و فرانسه هستند. کشورهای قدرتمندتر نیز اگر چه سهم بسزایی در پیشبرد روند همکاری داشته‌اند، لیکن سیاست خارجی هر یک از آنها از جهت گیری متفاوتی برخوردار می‌باشد.

۴-۲. شکاف میان توان و انتظارات اعضا

در نظریه‌های همکاری پیوسته به لزوم هم سطحی و هم سنجی کشورهایی که خواهان ورود به یک اتحادیه هستند، اشاره شده است. اما شش کشور مؤسس بازار مشترک دقیقاً ترکیبی از سه کشور بزرگ (فرانسه، آلمان و ایتالیا) و سه کشور کوچک (بلژیک، هلند و لوکزامبورگ) را به نمایش می‌گذاشتند. این تفاوت‌ها در سال‌های بعد نیز با افزایش کشورهای عضو ادامه یافت و حتی پیچیده‌تر نیز شد. به شکاف‌ها و تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز می‌توان اشاره کرد. شکاف میان شمال پیشرفته و توسعه یافته در مقابل جنوب در حال توسعه، شکاف میان غرب به عنوان خاستگاه اصلی تأسیس، رشد و تعمیق همکاری اروپایی و شرق اروپا به عنوان کشورهای تازه وارد که دست کم نیم قرن از شرکای خود در زمینه تجربه همکاری عقب هستند.

۴-۵. تغییر دولت‌ها و روی کار آمدن

سیاستمداران جدید

اگر بپذیریم پیشبرد روند همکاری اروپایی از آغاز تاکنون به اراده رهبران دولت‌های اروپایی گره خورده است، تغییر دولت‌ها و روی کار آمدن رهبران جدید همواره در پیشبرد، کند شدن و یا توقف طرح‌های همکاری نقش مهمی را بازی کرده است. در این میان نقش رهبران سه کشور بزرگ فرانسه، آلمان و انگلستان از همه پرنرنگ‌تر

دولت‌های اروپایی و منافع متضاد اعضا و سیاست خارجی‌های متفاوت آنها می‌باشند.

۲-۱. گسترش اتحادیه اروپا

گسترش اتحادیه اروپا به شرق علی‌رغم به همراه داشتن دستاوردهایی همچون گسترش سرزمینی، جمعیتی و افزایش منابع برای اتحادیه، می‌تواند برای سیاست خارجی و امنیتی مشترک چالش‌هایی را نیز به دنبال داشته باشد. چالش‌هایی که اعضای جدید در زمینه سیاست خارجی و امنیتی مشترک با خود به همراه خواهند آورد از چند جهت قابل بررسی می‌باشد. نخست، بزرگ شدن مجموعه اتحادیه اروپا و تأثیر افزایش تعداد اعضای آن بر انسجام داخلی اتحادیه است. دوم، تنوع دیدگاه‌ها و منافع است که کشورهای تازه وارد با خود به اتحادیه اروپا همراه خواهند آورد. و در نهایت، بسیاری معتقدند که ورود کشورهای شرقی اروپا به اتحادیه باعث ایجاد گروه‌بندی‌های جدید و تقویت جریان آمریکاگرایی در درون اتحادیه خواهد شد.

۲-۲. عدم وجود هویت مشترک اروپایی

هویت جمعی به احساس ذهنی اعضا از لحاظ تعلق داشتن به یکدیگر مربوط است، به گونه‌ای که برخی آن را شرط لازم برای گروهی می‌دانند که خواهان همکاری سیاسی با یکدیگر می‌باشند. در غیاب شکل گیری این احساس (تعلق داشتن) از نظر ذهنی، نمی‌توان انتظار همکاری بلند مدت را به صورت عینی مشاهده کرد و به نوعی خود زمینه تجزیه و فروپاشی را فراهم خواهد کرد. در حقیقت، هویت مشترک اروپایی حمایت‌های لازم را در سطح جامعه برای سیاست خارجی و امنیتی مشترک فراهم می‌کند و از این طریق در عرصه عملیاتی می‌تواند به تقویت هر چه بیشتر این سیاست کمک کند. رژی دبره در این زمینه می‌گوید: «هرگاه یک سرباز فرانسوی حاضر شد جان خود را در دفاع از آلمانی‌ها به خطر افکند، آنگاه می‌توان به وحدت اروپا باور داشت».

۲-۳. منافع ملی و سیاست‌های خارجی

تفاوت اعضا